

ستاره‌های بدوشید و ماه مجری شه  
دل رسیده مارا اینس درونش شه

XXXXXXXXXXXX

روشنی طلعت ترمه نزار در

پیش ندگل رونق بیه تدارد

۱۹ خرداد ۱۳۸۵

XXXXXXXXXXXX

با درود فراوان به بزرگ بانوی شوادب ایران نزاله عزیزم

سلامی که "س" آن سلاسی، "لام" آن نشانه لطف، "الف" آن نشانه الفت و محبتی است که تبدای ما را بهم پیوند داد و "م" آن بین محبت است بشما تقدیر می‌گم. امید دارم که آما مشورت و سلامت روح و جسم صد نشین زندگی شما همه اینها می‌دهد به نفعی باشما در ارتباط هستند یا شه و هرگز خاری در باج گل زندگیمان نشد و مانعند.

روزگیشنه ۱۷ یومی از خراب ببری عزیزم، خورشید بادشمانی می‌تظیری برای اولین بار در اینسه سال آما سنم مالک را نوبه‌بان کرده. نمی‌دانم چرا با شه خورشید (که همناس م است بهت مای باشد) نزاله برایم تداعی می‌شود. با خرد و تقیم می‌گیرم.

کتاب سایه سالهای نزاله را از کتابخانه بیرون می‌آوردم و با دانش کوچیک زیناد خورشید نوشتی که از ایران دیده گتر تمام خانه را ترک کرده و به طرف فضای سبز بیرون از خانه چهپا رسیدم و تمام روز را با او مبر می‌براک و بخورد می‌گرم چه سعادت می‌ارز این بالار که در اینسه سال می‌خوبت سایه‌ها چند از زندگی را می‌بان با همنی آن زندگی سپری کرده و به گفتگو نشست. در طول مدتی که مشمول حطه‌ها کن ب بودم و چهپا می‌بوی این زندگی شما و مردم می‌فهمم با این تعارف که من همنه در جهان برله کوچیک زینان تخمه سنگ مانده ام و می‌شما خود را به دریاها رسانده اید. در عین حال این زندگی را بمن رادید در می‌توانم از آن برله بیرون آمده و خود را به دریا برسانم و سعی خود را فراهم کرد.

من شما را در شهر مالکو (Mamoo) یکی از شهرهای فیلیپین سادات کردم و همنی دانم آیا یا با سعادت اینسه ماهات را هضم داشتم.....! خود شما لم و بخورد بر لب می‌گویم که در کسود ما بزرگ زمانی چون شما انهام همنی زنانه دیگری و همی بزرگ می‌گویم که اینسه دریای پر تلاطم زندگی آنگونه عذبات همنی آب شنا کردید.



با شکر از اینکه حاصل زحمات چندین زیناد خورشید است تمام در اختیار ما گذاشته و با

آرزوی عمر طولانی در درجه رسیده شما خواهانظ و نگهداری شما

باغچه ارقام

شیرین صابزه

۱۳۸۵ - ۲۰۰۱



تاریخ ۱۴ آذر ۱۳۰۲

۱۹ قابل ۵۲

این مقام عزیزم

با درود گرم و سپاس از آن همه لطف و مهری که در این سال  
و سالهای گذشته در باره من داشته اند به نظر من برای مکارم و احسان  
بر من که آن همه که کرده اند بر من بجز در حد عفو و بخشش و...

در آنجا که در وقت اول درود که میفرستادید  
دیارها در مالک و عکس آن که در کتابم نوشته ام (ادگار  
فرادین ز یادش است که این در وقت باز میخواند)

ببخشید که در این نامه هیچ اشاره ای به من نکرده ام  
گرفتارم و این هم در آنجا که خواهد شد

محمد اقبال ساعی بود که با کمال کمال  
زندگی در هر وقت خوشی که یافتن است  
در حد شکر و شکر از رفیق و دیگران است

این در وقت بخوانید - خدا را که در این باره درود در آن را در آن  
و یادمانند

درود

۱۳۰۲